

قصه پرغصه طلاق/ وعده هایی که جدایی می آورند

طلاق مانند انبار باروت در زندگی است قانون انبار باروت را به خاطر بیاورید که یا آتش نمی‌گیرد یا اگر آتش گرفت به کلی نابود می‌شود.



خبرگزاری مهر- طلاق مانند انبار باروت در زندگی است قانون "انبار باروت" را به خاطر بیاورید که یا آتش نمی‌گیرد یا اگر آتش گرفت به کلی نابود می‌شود.

دوران نامزدی هر فردی، مملو است از قول‌ها و آرزوهایی که دو طرف برای درپیش گرفتن مسیر طولانی زندگی به یکدیگر می‌دهند ولی در زمانی نه چندان دور، نسبت به برآورده ساختن آن آرزوها، مستأصل می‌مانند.

دلایل بسیاری برای این شرایط قابل تعریف است که از آن جمله می‌توان به "عدم درک صحیح طرفین از اجتماع"، "بلند پروازی‌های ذاتی شخص" و تلاش برای کسب استقلال پس از دوران مدیدی که فرد تحت حمایت خانواده بوده و تورم اشاره کرد.

تورم به عنوان یکی از نمادهای اقتصادی، نقش مهمی در نرسیدن فرد به آرزوهای دور دراز خود دارد تا جایی که دو طرف را راضی به جدایی می‌کند، به گونه‌ای که در زمان حاضر، شکل‌گیری اغلب اختلافات و طرح شکایات در دادسراها ناشی از تورم، رکود و بی‌ثباتی مسائل اقتصادی است و بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که حجم پرونده‌های قضایی با نرخ رشد تورم، نسبت مستقیم دارد خصوصاً در جامعه ما که تورم به گونه‌ای بارز خود نمایی می‌کند و در این بین میزان جرم و همچنین طلاق و شکایت در این خصوص به مراتب بالاتر رفته است.

نسل کنونی، به زندگی تجملاتی و فانتزی در خانه پدر عادت کرده و بنابراین طاقت زندگی حتی در سطوح معمولی را نیز ندارد. این انتظار طبعاً در دختران بیشتر است و پسران می‌بایست به خواسته‌های متعدد آنان عمل کنند، لذا زمینه‌های اشتغال اندک به همراه نرخ بالای تورم، اجازه هرگونه حرکت سازنده‌ای را از جوان سلب می‌کند مگر اینکه فرد دلخوش به حمایت‌های خانواده باشد، چرا که تقریباً تمامی جوانان با هر سطح ذائقه در دوران خوش نامزدی قول‌هایی به طرف مقابل خود می‌دهند که بسیاری از آنها قابلیت انطباق شرایط فرد با زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی را ندارند و به همین دلیل پس از ازدواج، زمینه برای بگو مگوها و دعوای زوجین فراهم می‌شود.

"چشم و هم چشمی" نیز از دیگر عوامل حساسی است که به عنوان زیر مجموعه تورم، کار زوجین را به محاکم و دادسراها می‌کشاند. طبیعتاً دیدن وضع خوب زندگی اقوام، دوستان، همسایگان و ... فرد را تحریک کرده و او را تحت فشار قرار می‌دهد.

بارها دیده شده که فرد به خاطر همین فشارها به دلایلی از جمله کشیدن چک بی محل روانه زندان شده یا خود را مقروض کرده تا حسرت نداشتن آن چیزها به خود راه ندهد. مجموعه تمام اینها سبب شده تا رویه مستقیم تورم و زندگی افراد، بیش از پیش خود را نشان دهد.

مدنیت رهاوردی دارد به نام تکنولوژی. اگرچه این عنصر در نسل‌های قدیم آن چنان محسوس نبود اما امروزه با پیشرفت روز افزون آن، تمامی احتمالات، رنگ حقیقی به خود می‌گیرند، بارها دیده شده زوج‌هایی که در نهایت خوشبختی عاطفی به سر می‌برند، به خاطر مسائل مادی از یکدیگر جدا شده یا انسان‌هایی که برای تأمین نظرات همسرشان شغل شرافتمندانه خود را به بی‌آبرویی و رسوایی فروخته‌اند.

زوجین باید توجه بسیاری داشته باشند که اولاً توقع یکدیگر را به خوبی شناخته و آن را مهار کنند و ثانیاً در دوران مختلف زندگی، به خصوص دوران نامزدی، قول‌های غیر حقیقی به طرف مقابل ندهند تا بالطبع انتظار وی نیز بالا نرود.

در این زمینه آن ضرب المثل روانشناسان کاربرد ویژه‌ای دارد که "همیشه به کم قانع باش تا به زیاد برسی" مطمئناً درپناه زندگی ایمن و تفاهمی ساختارمند می‌توان به تمام لوازم خوشبختی دنیا دست یافت، درست است که این راه کمی طول می‌کشد اما دست یافتنی است، طریقی که گذشتگان ما آن را آزمایش کرده‌اند و توانستند سربلند از آن بیرون بیایند.

قصه پرغصه طلاق

طلاق، فرآیند ناخوشایندی است که طی آن دو طرف به ناکامی‌های وسیعی در زندگی خود دست می‌یابند، همه چیز به اینجا ختم

می‌شود که اصلی‌ترین ضربه طلاق، به جسم و روح طرفین وارد می‌شود بسیاری از زوجها با این اندیشه که در پناه طلاق به زندگی آسوده و دلخواه خود دست می‌یابند اقدام به پذیرش آن می‌کنند، درحالی که نمی‌دانند طلاق منجر به بروز تغییراتی در شیوه زندگی افراد می‌شود که دامنه گسترده آن از برنامه غذایی گرفته تا استرس‌های شدید روحی و افسردگی ادامه می‌یابد.

در وهله اول شخص طلاق گرفته بسته به دلایل آن، نسبت به جنس مخالف ابراز تنفر پیدا می‌کند. بسیاری نیز با کنار زدن همسر خود در پی یافتن و رسیدن به فرد مورد نظر خود هستند! این باور که بهترین سال‌های عمر فرد به اعتقاد خودش تباه شد، موجی از نا امنی و افسردگی را به سراغ او می‌آورد. یقیناً فرد به پذیرفتن شکست و دیدن همسالان موفق خود، او را بیش از پیش افسرده می‌کند که رهاورد آن گرایش به مشروبات الکلی و اعتیاد است که در بسیاری از موارد به خودکشی نیز کشیده می‌شود.

تحمل مشکلات روحی و به یاد آوردن فردی که در کنار او بوده اما به وی ستم یا خیانت روا داشته، آستانه شکیبایی معمول وی را می‌آزارد و او را با چالش روحی مواجه می‌سازد. در این موقعیت فرد به حضور در اجتماع یا مکان‌های شلوغ رغبتی ندارد و ترجیح می‌دهد در انزوا به سر ببرد و در آنجاست که ناخودآگاه با افکار منفی مواجه می‌شود.

نوع نگاه مردم جامعه به همسران طلاق، نگاه خوشایندی نیست. زن طلاق گرفته در معرض انواع نگاه‌های بد و حرام که صیانت از خود را سنگین‌تر می‌کند این جریان برای مرد نیز آسیب‌پذیر است چراکه وی اگر هم قصد تجدید فراش داشته باشد به راحتی نمی‌تواند بازگویی حقیقت گذشته خود باشد. باید توجه داشت که هر دو جنس زن و مرد طلاق گرفته، تا پایان عمر سایه سنگین یکدیگر را روی سرشان احساس می‌کنند و شرایط نامطلوب خود را از وجود طرف مقابل می‌دانند.

کاهش طول عمر زوج‌های طلاق، بحرانی جدی است که به رغم سرنوشت فرد، سرنوشت خانواده وی را نیز بحران زده می‌کند. حال که نمی‌توان طرز تفکر و کلیت جامعه را تغییر داد. می‌بایست در انتخاب‌هایمان نهایت دقت را به کار ببریم تا مشکلی به نام "طلاق" گریبانگیر ما نشود. شاید مضحک به نظر بیاید اما باید باور کرد که تنها راه مبارزه با طلاق و در پی آن عدم کاهش عمر طرفین انتخاب صحیح همسر است تا به جدایی ختم نشود.

قانون "انبار باروت" را به خاطر بیاورید که یا آتش نمی‌گیرد یا اگر آتش گرفت به کلی نابود می‌شود.